بهترین توصیف برای حال و روز ما شاید همان حکایت «یک بام و چند هوا» باشد

بازگشایی تالارهای عروسی با منع رفت‌وآمد شبانه!

تناقض در تصمیم‌های ستاد کرونا مردم و کسب‌وکارها را بیشتر سردرگم می‌کند



محدثه شوشتری
m.shushtari@shahraranews.ir



درِ تالارهای پذیرایی و عروسی به روی مردم باز شود، اما آن‌ها عروسی نروند و مجلس نگیرند! تالارهای عروسی منع فعالیت ندارند، اما از ساعت ۲۱ تا ۴ صبح منع آمدوشد شبانه برقرار است! در این دوگانگی تصمیم‌های ستاد مقابله با کرونا باید مردم و صاحبان مشاغل دنباله‌رو کدام باشند؟ حکایت یک بام و چند هوا!

اگر قرار بود بعد از ماه‌ها از بسته‌شدن تالارهای پذیرایی و عروسی و بیکارشدن ده‌ها هزار نفری که در این زمینه مشغول به کار بودند، حالا خبر خوش بازگشایی برسد، این موضوع با منع تردد شبانه در تناقض است. اینکه مردم عروسی را تا قبل از ساعت ۹ شب بگیرند در عمل امکان‌پذیر نیست، یا باید جریمه ۲۰۰هزارتومانی را به چشم ببینند یا اینکه آن‌ها هم بازگشایی تالارها را مثل خیلی از کارشناسان حوزه سلامت و جامعه، غلط و در تناقض با دیگر تصمیم‌ها و شرایط بدانند.

از همه مهم‌تر، هشدارهای ستاد مقابله با کروناست که همچنان به مردم توصیه می‌کنند از برگزاری دورهمی، اجتماع، عروسی و برگزاری مجالس و... پرهیز کنند و در سویی دیگر، مجوز به فعالیت گروه‌های شغلی که سبب اجتماع می‌شود، می‌دهند. در نهایت، یک جمله به تصمیم و ابلاغیه‌ها اضافه می‌شود که «همه موارد با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی باشد.» اینکه شیرینی و شام عروسی در تالارهای پذیرایی صرف شود و مجلس شادی هم دور هم برگزار شود، فقط مردم وقت واردشدن به تالار با ماسک بیایند و بعد از اتمام مجلس ماسک‌هایشان را بگذارند و بروند، از سرایت کرونا جلوگیری می‌کند؟! این موضوع بیشتر شبیه شوخی و جک است تا بخشنامه کنترل کرونا و بازگشایی تالارهای عروسی!

این بازگشایی بیشتر ضرر است

برای بررسی این تصمیم که تالارهای پذیرایی در گروه شغلی ۳ از این هفته اجازه فعالیت و بازگشایی دارند، هم سراغ متولیان حوزه بهداشت و درمان می‌رویم و هم صاحبان تالارهای پذیرایی که هر کدام مواضع خود را دارند.

از بین فهرست ۹۰تالار و ۵۰باغ‌تالار مجوزدار مشهد، با بیش‌از ۴۰تالار و باغ‌تالار تماس می‌گیریم. تلفن بیشتر آن‌ها را کسی پاسخ‌گو نیست و آن‌هایی که پشت خط به سؤالاتمان جواب می‌دهند، امید چندانی به بازگشت به روزهای خوش تالارها ندارند. بسته‌بودن ماه‌های طولانی و بیکاری هزاران نفری که از کار در این تالارها نان بر سر سفره خانواده می‌بردند، روزگار خوش آن‌ها را گرفته است.

صاحب یکی از تالارهای بزرگ شهر در گفت‌وگو با خبرنگار ما، نه‌تنها از تصمیم ستاد مقابله با کرونا برای بازگشایی خوشحال نیست، این بازگشایی را به ضرر تالارداران می‌داند تا سود آن‌ها. او می‌گوید: مگر می‌شود به مردم بگویید بیایید میلیون‌ها تومان برای عروسی خرج کنید، اما چون منع رفت‌وآمد شبانه هست، از سر و ته مجلس عروسی بزنید و تا ساعت ۸ تمام کنید؟! فاصله رسیدن هر شرکت‌کننده‌ای در مجلس عروسی، از تالار تا منزلش در مناطق مختلف مشهد، حداقل یک ربع و حداکثر تا یک‌ساعت زمان می‌برد. بنابراین برگزاری مراسم عروسی تا قبل از آغاز ساعت منع تردد شبانه، بی‌معنی و نشدنی است. ضمن اینکه در فرهنگ و آداب رسوم مردم نمی‌توان گفت که در عروسی به‌جای شام، ناهار دهند.

تالاردار دیگری هم دغدغه‌هایی مشابه همکارانش دارد و می‌گوید: اگر مردم استقبال نکنند، تالارداران‌هایی که چندین‌ماه کارکنانشان را به خانه فرستاده بودند، حالا برای شرایط کم‌رونق و سرد هم باید همان هزینه‌های جاری حقوق چند کارگر، قبوض مختلف تالار و دیگر موارد را بپردازند. با این روند بیشتر زیان می‌کنند تا سود. در حالت خوش‌بینانه اگر در همین شرایط، عده‌ای متقاضی عروسی هم باشند، با تعداد مجالس اندک و مختصر، اصلا بازگشایی به‌صرف نخواهد بود.

بسته بودیم، حداقل تکلیفمان مشخص‌تر بود

یکی دیگر از تالارداران شهر هم، جنس حرف‌هایش، گلایه از همین دوگانگی در تصمیم‌های ستاد کروناست. می‌گوید: از یک سو به ما مجوز بازگشایی برای بازشدن تالارهای پذیرایی را می‌دهند و از سویی دیگر، به مردم توصیه می‌کنند که از دورهمی و میهمانی‌رفتن و شرکت در مجالس عروسی بپرهیزند. در این شرایط، خیلی از خانواده‌ها ریسک برگزاری مراسم را نخواهند پذیرفت و آن‌هایی هم که به‌سراغ ما بیایند با حداقل ظرفیت و تعداد میهمان کم، سالن‌های تالار را رزرو خواهند کرد که نتیجه آن در هر حالت، جز بی‌رونقی در کار ما نخواهد بود. وقتی بسته بودیم، حداقل تکلیفمان با مردم و پرسنل و خودمان مشخص‌تر بود.

بین بیش از ۲۰تالارداری که با آن‌ها صحبت می‌کنیم، یکی از آن‌ها دید مثبتی به تصمیم بازگشایی دارد و می‌گوید: برخی از خانواده‌ها حتی در روزهایی که شرایط کرونا قرمز بود، برای گرفتن مجالسشان، دنبال تالارهای زیرزمینی بودند؛ آن‌چنان که چندین تالار، عروسی برگزار کردند و پلمب شدند. حالا با مجوز رسمی فعالیت، هم کار این خانواده‌ها راه می‌افتد هم شاید بیکاری و بلاتکلیفی یک‌ساله ما تغییر کند. او باوجوداین تأکید می‌کند: با منع تردد شبانه، نمی‌توان انتظار داشت که به‌جز مراسم عصرانه عقد، تالارها برای رزرو مراسم دیگری استقبال شود، مگر دسته‌ای از طبقه لاکچری جامعه که در هر شرایط ۲۰۰هزار تومان پول برای شرکت در یک عروسی، اصلا برایشان مبلغی نیست و به چشمشان نمی‌آید.

بازگشایی تالارها به‌معنای برگشتن به روال سابق نیست

رئیس اتحادیه تالارهای پذیرایی هم درعین‌حال که جزئیاتی از ابلاغیه بازگشایی این صنف را اعلام کرده، تأکید کرده است: تالارهای پذیرایی باید با یک‌سوم ظرفیت فعال باشند. پس از یک سال تعطیلی، این بازگشایی به‌معنای برگشتن به روال سابق نیست و شرایط هم سخت و هم متفاوت خواهد بود.

به گفته خسرو ابراهیمی‌نیا، استفاده از لوازم یک‌بارمصرف مانند قند، شکر، نمک، فلفل و استفاده از ماسک و دستکش برای همه کارکنان تالارها ضروری است. همچنین همه تالارهای پذیرایی موظف به ضدعفونی‌کردن تالارهایشان قبل و بعد از مراسم هستند.

مردم عروسی نگیرند و عروسی نروند

موضوع دوگانگی در هشدارها و تصمیم‌های ستاد کرونا را با معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد هم در میان می‌گذاریم.

دکتر مهدی قلیان در گفت‌وگو با خبرنگار ما ابتدا به بخشنامه ستاد مقابله با کرونا اشاره می‌کند و می‌گوید: مشهد در حال حاضر در وضعیت آبی کرونا قرار دارد و بیشتر شهرستان‌های استان در وضعیت زرد هستند. در این شرایط، طبق مصوبات ستاد مقابله‌با کرونا، فعالیت مشاغل گروه‌های یک، ۲ و ۳ بلامانع است. تالارهای عروسی و پذیرایی جزو گروه سوم شغلی هستند. این تصمیم را ستاد مقابله‌با کرونا گرفته است که تالارهای عروسی بازگشایی شوند اما اگر مردم نظر ما را بخواهند، همچنان با تأکید می‌گوییم که نه عروسی بگیرند و نه عروسی بروند؛ حتی مجالس دیگر، اعم از سوگواری و... را در تالارهای پذیرایی که موجب اجتماع می‌شود، برگزار نکنند.

این مسئول در دانشگاه علوم پزشکی مشهد تأکید می‌کند: مردم بدانند که وقتی به این‌گونه مجالس می‌روند، با پای خودشان به استقبال کرونا می‌روند. مگر می‌شود مجلس عروسی برگزار شود اما شرکت‌کنندگان با فاصله اجتماعی دقیق و ماسک بنشینند؟ طبیعی است که هم برای پذیرایی و هم شادمانی ماسک‌ها را برمی‌دارند و فاصله‌ها هم رعایت نخواهد شد که در این صورت خطر سرایت کرونا جدی خواهد بود.

دکتر قلیان در پاسخ به این سؤال که چرا بازگشایی تالارها با منع شبانه رفت‌وآمد صورت گرفته است و این دوگانگی مردم را بیشتر سردرگم می‌کند، می‌گوید: این تصمیم‌ها دست مشهد و استان نیست و ستاد کشوری مقابله با کرونا تصمیم گرفته است. بی‌گمان با ممنوعیت رفت‌وآمد شبانه، برپایی مجالس عروسی که تا پاسی از شب به طول می‌انجامد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

وی در پایان توصیه می‌کند که مردم این نکته را مدنظر داشته باشند که رفع محدودیت‌ها به‌معنای عادی‌شدن شرایط و کنارگذاشتن رعایت دستورالعمل‌های مقابله با کرونا نیست.

روزنامه شهرامید وزندگی
شهرآرا
۳شنبه
۲۳ دی ۱۳۹۹
۲۸جمادی‌الاول۱۴۴۲
شماره ۳۲۹۹
SHAHRARANEWS.IR

گفت‌وگوی اختصاصی شهرآرا با جابر انصار، سرکنسول جمهوری اسلامی افغانستان در مشهد

هرات و مشهد خواهران دو قلو هستند

مهاجران افغانستانی در ایران برخلاف دیگر کشورها استحاله نشده‌اند



تصویر این گفت‌وگو را اینجا ببینید

عکس: مصطفی عباسی | شهرآرا

- جدا کردن وجوه مشترک ایران و افغانستان ممکن نیست
- مهاجران افغانستانی در ایران برخلاف دیگر کشورها استحاله نشده‌اند
- توانایی مهاجران افغان در ایران شایان‌توجه است
- در خراسان رضوی ممنوعیت تحصیل برای دانش‌آموزان افغانستانی از بین رفته است
- محدودیت‌های بانکی به صادرات ایران و افغانستان لطمه می‌زند
- برای کاهش هزینه‌های کنسولی در ایران مصمم هستیم
- تا کنون ۱۲۰هزار نفر برای دریافت تذکره الکترونیکی نوبت گرفته‌اند
- سند همکاری‌های استراتژیک، نقشه‌راه پیمودن راه‌های طولانی است
- ایران و افغانستان مشکل بزرگی باهم ندارند
- صادرات ایران و افغانستان باید دوسویه باشد
- امیدوارم با آمدن صلح در افغانستان پذیرای دوستان ایرانی‌مان باشیم
- هرات و مشهد خواهران دوقلو هستند

سیدمحمدرضا هاشمی



گفت‌وگوی روز

موقعیت خاص جغرافیایی مشهد در نزدیکی به افغانستان و وجود حرم مطهر رضوی در این شهر باعث شد چهار دهه پیش، وقتی قشون سرخ شوروی لشکر کشیدند به افغانستان و عرصه را بر زندگی مردم تنگ کردند، مشهد به یکی از مقصدهای مهم مهاجران افغانستانی تبدیل شود. همین است که کنسولگری افغانستان در مشهد، یکی از پرکارترین نمایندگی‌های سیاسی این کشور در ایران است؛ نهادی که وظیفه رسیدگی به امور کنسولی اتباع افغانستانی را برعهده دارد و در سال‌های اخیر، همکاری نزدیکی با ادارات مربوط به امور مهاجران در ایران برقرار کرده است. جابر انصار، سرکنسول جمهوری اسلامی افغانستان در مشهد، روبه‌روی خبرنگار شهرآرا نشسته است تا درباره مهاجران، رابطه ایران و افغانستان، کمبودها و جایگاه مشهد در نگاه مردم افغانستان بگوید.

آقای انصار! چرا ایران و به‌خصوص شهر مشهد به یکی از مقصدهای مهم مهاجرت مردم افغانستان تبدیل شد؟

افغانستان و ایران تاریخ و فرهنگ مشترک دارند. ممکن نیست بتوانیم وجوه مشترک دو کشور را از هم جدا کنیم، چون رابطه خونی، تاریخی و زبانی، رابطه‌ای نیست که بشود آن را با جغرافیای سیاسی، چند خط و موافقت‌نامه‌های قانونی از هم جدا کرد. این جغرافیا متعلق به مردم افغانستان، ایران، تاجیکستان و حتی ترکیه است. ما این حوزه را این‌طور می‌بینیم که یک مدنیت واحد دارد و بین تاریخ کهن و تاریخ نوین یک آدرس بیشتر ندارد.

مهاجرت مردم افغانستان در زمان تجاوز قشون سرخ به ایران ناشی از اجبار بود. مردم افغانستان تنها به ایران مهاجر نشدند؛ آن‌ها به کشورهای دیگر جهان هم رفتند، اما در ایران خانه گرفتند، زندگی کردند و آمیخته شدند، با همان فرهنگی که از قبل در آن ریشه داشته‌اند. اگر ما مهاجرت افغان‌ها به دیگر کشورهای جهان را مطالعه کنیم، می‌بینیم آن‌ها در آن جامعه استحاله شده‌اند، فرهنگ، زبان و همه‌چیز آن‌ها از بین رفته است، اما مهاجران افغانستانی که در ایران زندگی می‌کنند استحاله نشده‌اند، چون در فرهنگ خود پرورش یافته‌اند و با اعتقادات خود زندگی کرده‌اند. بدون تردید از ۴۰سال مهمان‌داری مردم ایران، از جمهوری اسلامی ایران، تشکر و قدردانی می‌کنیم. این ۴۰سال هم‌زیستی با ایران را با هیچ‌یک از کشورهای دنیا مقایسه نمی‌کنیم.

این هم‌زیستی متفاوت سبب شده است شاهد تربیت نسل تحصیل‌کرده‌ای از مهاجران افغانستانی در ایران باشیم؛ نسلی که دانشگاه رفته‌اند و حالا نخبگانی هستند که می‌توانند به افغانستان کمک کنند. شما به‌عنوان سرکنسول جمهوری افغانستان در مشهد آیا توصیه می‌کنید که نخبگان افغانستانی به کشورشان بازگردند؟

موضوع تشویق ما یک بحث است، موضوع ضرورت‌های جامعه ما چیز دیگری است. یقین دارم که چهار دهه جنگ در افغانستان شالوده نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم ما را متلاشی کرده، زیربناهای کشور از بین رفته و امروز فقر، بیکاری و نبود سطح کافی سواد، مهم‌ترین عوامل ادامه جنگ در افغانستان است. برای ساختن یک افغانستان نوین و پیشرفته همه مردم در هرجای دنیا که هستند، باید دست به دست هم بدهند و رسالت خود را در قبال مردم خود ایفا کنند. استعدادها و توانایی‌های مهاجران افغان در دنیا شایان توجه است، به‌خصوص در ایران. مهاجران به‌سختی توانسته‌اند درس بخوانند، چیزی یاد بگیرند و به دانش خود بیفزایند. حضور این‌ها در افغانستان نقطه عطفی برای ترقی و تعالی این کشور خواهد بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، اتباع این کشور را بدون هرگونه تبعیض در سرنوشت سیاسی کشور دخیل می‌داند. ما یک نظام منتخب داریم، در کنار آن دو مجلس و شوراهای ولایتی داریم که همه آن‌ها براساس انتخابات شکل گرفته است. نظام اجرایی ما از بهترین مدل‌های استخدام نیروی انسانی است و در آن هیچ‌گونه قیدی برای تبعیض بین مردم نیست. اما آیا ظرفیت استخدام این تعداد نیرو در جامعه کنونی وجود دارد؟ من فکر می‌کنم باید در کنار نظام اداری افغانستان، فرصتی را فراهم کنیم که زمینه‌های فعالیت بخش خصوصی فراهم شود. یعنی در هر عرصه‌ای که شما خواستید، بتوانید کار کنید. امیدوارم نخبگان بیشتر از اینکه به فکر جذب در ساختارهای دولتی افغانستان باشند، به فکر نوآوری، ابتکار و خلاقیت باشند.

از این جهت موضوع بازگشت نخبگان را پرسیدم که به‌نظر می‌رسد نگاه جامعه مهاجر مشهد به کنسولگری افغانستان تغییر کرده است. امروز مهاجران از مراجعه به کنسولگری نگرانی ندارند و به‌نوعی از انجام کارشان در این نمایندگی سیاسی اطمینان دارند. این اطمینان از انجام چه خدماتی سرچشمه می‌گیرد؟

براساس آمارهای ما، در چهار استان ایران که مسئولیت رسیدگی به امور کنسولی اتباع افغانستانی که در آن‌ها زندگی می‌کنند، برعهده ماست، حدود یک‌میلیون و پنجاه تا یک‌میلیون و صدهزار مهاجر داریم که نوع اسناد قانونی‌شان متفاوت است. ارائه خدمات برای این تعداد مراجعه‌کننده، در این کنسولگری، کار سختی است و کسب رضایت هم‌وطنان عزیزمان سخت‌تر از آن. به همین دلیل ما از همکارانمان خواستیم حوصله بیشتری در برخورد با مهاجران داشته باشند و مشکلات آن‌ها را حل کنند.

اقدامات خوبی در حوزه درمان و تحصیل مهاجران انجام شده است؛ جا دارد از مسئولان جمهوری اسلامی ایران قدردانی کنیم که هزینه‌های مهاجران را درزمینه درمان تاحدی رفع کردند. در بخش آموزش‌وپرورش هم از مقام معظم رهبری برای صدور فرمانی به‌منظور بازنماندن هیچ دانش‌آموز افغانستانی از تحصیل، تشکر می‌کنم. خوشبختانه در استان خراسان رضوی ممنوعیت تحصیل از بین رفته است؛ ضمن اینکه وظیفه خود می‌دانم که از همه معلمانی که هم‌اکنون مشغول آموزش علم به بچه‌های مهاجر افغانستانی هستند، تشکر و قدردانی کنم.

کنسولگری ما یکی از پرکارترین کنسولگری‌های افغانستان در منطقه است. ما در همین شرایط بسیار بد کرونایی روزانه ۱۵۰۰نفر پذیرش داریم و این بسیار زیاد است؛ اگر گاهی کم‌کاری می‌شود، مهاجران عذر ما را پذیرا باشند.

تداوم مشکلات مهاجران در حوزه کارت‌های بانکی، سیم‌کارت و ثبت‌نام مدارس شامل همین کم‌کاری‌ها می‌شود؟ شاید یک مهاجر افغانستانی از شما این سؤال را داشته باشد که وقتی خبر مسدودشدن کارت بانکی مهاجران را در فضای مجازی می‌بینید، به‌عنوان سرکنسول افغانستان تا چه حد خودتان را درگیر می‌کنید و چه کاری برای حل آن انجام می‌دهید؟

ما خود را درگیر نمی‌کنیم، بلکه درگیر هستیم؛ این دو با هم متفاوتند. ما دور از آتش نیستیم، در درون آتشیم. این اواخر قضایای زیادی در رسانه‌ها دست‌به‌دست شده است، مثل مسدودشدن کارت‌های بانکی. با اینکه می‌دانیم تمرکز قدرت در ایران در مرکز است و تصمیمات در تهران گرفته می‌شود، در اولین روزی که این موضوع را شنیدیم، با مقامات استانی در خراسان رضوی صحبت کردم. بعد موضوع را به سفارت افغانستان در تهران انتقال دادم. آن‌ها اقدامات خود را انجام داده بودند، و نه‌تنها موضوع کارت بانکی، بلکه طرح مجلس درباره قانونمندکردن ورود اتباع افغانستانی به ایران را در دست داشتند. حرف من این است که در شرایط کنونی که در ایران درباره موضوعات اقتصادی مشکلاتی وجود دارد، ایجاد اصطکاک در بعضی موضوعات تجاری مهاجران افغان، یک ضربه دیگر به اقتصاد ایران خواهد بود. مبالغ هنگفتی از بیش‌از یک‌میلیون مهاجری که دارای کارت بانکی هستند، در بانک‌های جمهوری اسلامی انباشته شده؛ این همان پولی است که با آن کالا به افغانستان صادر می‌شود و دوباره به چرخه اقتصادی ایران بازمی‌گردد. هر نوع محدودیت (بانکی) به صادرات بین ایران و افغانستان لطمه ناگواری خواهد زد.

البته برخی گلایه‌ها مربوط به خود ضوابط دولت افغانستان است؛ هزینه‌های کنسولی که پرداختش برای اغلب مهاجران دشوار است. کاهش این هزینه‌ها از مهم‌ترین خواسته‌های مهاجران مقیم ایران است.

ما به همین منظور، طرحی را تقدیم معاون سیاسی وزارت خارجه افغانستان کردیم. در وزارت امور خارجه روی این طرح کار شده است و به مقام عالی ریاست‌جمهوری تقدیم خواهد شد. هم امیدواریم و هم مصمم که این اتفاق بیفتد. این حق مردم افغانستان است که در حد توان و بضاعتشان از آن‌ها هزینه دریافت شود.

برای تکمیل پروژه تذکره الکترونیکی هم جدیدا اقدامی صورت داده‌اید؟

تذکره الکترونیکی، یکی از اسناد بسیار مهم هویتی نظام جمهوری اسلامی افغانستان و یک پروسه ملی است. چندهزار تذکره الکترونیکی را در مشهد توزیع کردیم. شرایط و مقررات دریافت تذکره بسیار ساده است. من از همه مهاجران می‌خواهم که برای دریافت تذکره اقدام کنند. تذکره الکترونیکی، سندی معتبر برای دستگاه‌های ایران در موضوع مهاجران خواهد بود. تاکنون حدود ۱۲۰هزار نفر نوبت گرفته‌اند. در یک تفاهم‌نامه اداره اتباع، سالنی با ظرفیت ۲هزار نفر در روز را دردسترس ما قرار داده است.

به‌گمان شما سند همکاری‌های استراتژیک ایران و افغانستان که در مراحل نهایی تدوین است، می‌تواند این مشکلات را رفع کند؟ تصویب این سند و امضای آن توسط رؤسای جمهور دو کشور چه تأثیری بر روابط دو کشور خواهد داشت؟

این سند در پنج‌بعد تعریف شده و یک سند جامع از همکاری‌هاست؛ البته باید سال‌ها قبل طرح، تصویب و امضا می‌شد. امضای این سند دورنمایی برای همکاری‌های درازمدت بین دو کشور است. دو کشوری که هرکدام بخواهند به منزل مقصود برسند فقط به‌واسطه یکدیگر می‌توانند. اگر افغانستان خواسته باشد به آب‌های آزاد راه پیدا کند، هیچ راهی سهل‌تر و آسان‌تر از ایران برای ما نیست، اگر ما خواسته باشیم به اروپا راه پیدا کنیم، هیچ راهی ساده‌تر از ایران نداریم؛ برعکس اگر ایران بخواهد به چین و کشورهای آسیای میانه راه پیدا کند، کریدور ترانزیت شرق را برای کشور خود تعریف کند، هیچ راهی ساده‌تر، آسان‌تر و مطمئن‌تر از افغانستان نیست. علمی که ما از ایران به افغانستان انتقال می‌دهیم، دوباره نیاز به ترجمه آن نداریم. اگر ایران بخواهد در بازارهای افغانستان بلندمدت کار کند، هیچ زمینه‌ای مساعدتر از سرمایه‌گذاری در این کشور وجود ندارد، افغانستانی که نیاز به انرژی دارد، نیاز به استخراج معادن دارد و به زیرساخت‌های اقتصادی نیاز دارد. در بخش کشاورزی ما آماده دریافت تجربه ایران در حوزه کشت فراسرزمینی هستیم. درزمینه همکاری امنیتی هیچ راهی مطمئن‌تر از همکاری امنیتی دو کشور نیست و کشور ثالثی در این زمینه وجود ندارد. در رابطه با قاچاق موادمخدر، قاچاق انسان، قاچاق ارز و قاچاق کالا که دو طرف از آن صدمه دیده‌اند، هیچ راهی مطمئن‌تر از همکاری و قبول این مشکلات وجود ندارد.

ما مشکل کلانی با ایران نداریم؛ مشکلات بسیار محدود و کوچک است که با یک گفتمان می‌توانیم آن را حل کنیم که این گفتمان نیاز به سند دارد. من سند همکاری‌های درازمدت ایران و افغانستان را یک نقشه راه می‌بینم برای پیمودن راه‌هایی که باید بپیماییم و با امضای این سند، ما این راه‌ها را به‌سادگی و آسانی طی خواهیم کرد.

به‌نظر می‌رسد راه آهن خواف-هرات در همین راستا افتتاح شده است. به عقیده شما این راه آهن چه تأثیری بر افزایش مبادلات اقتصادی دو کشور خواهد داشت؟ چه تضمینی می‌توانید به تاجران ایرانی مشتاق سرمایه‌گذاری و تجارت بدهید که این مسیر در امنیت خواهد بود؟ همچنین آیا مطلع هستید قطعه چهارم این راه آهن کی ساخته خواهد شد؟

در اقتصاد امروز هزینه حمل‌ونقل، موضوع مهمی است. با ایجاد خطوط ریلی هزینه حمل‌ونقل کاهش پیدا می‌کند. امروز سقف مراودات مالی افغانستان و ایران ۲میلیارد و ۸۰۰میلیون دلار است که بیشتر شامل صادرات ایران به افغانستان است. با خط ریل، هزینه این مراودات کاهش پیدا می‌کند و این یک گام مثبت در توسعه روابط اقتصادی دو کشور است. دوم، ما می‌خواهیم به جمهوری اسلامی ایران بگوییم که خطوط ریلی که ایجاد شده است، خط یک‌سویه نباشد، بلکه دوسویه باشد و از طرفی موانعی که سر راه صادرات افغانستان است، برچیده شود تا ما بتوانیم صادرات خود را با هزینه کم و دور از تشریفات دست‌وپاگیر و سلیقه‌ای انجام دهیم تا این خط برای صادرات دو کشور دوسویه باشد، تا ما بتوانیم ازراه ایران به آب‌های آزاد و سایر کشورهای دنیا راه پیدا کنیم، یعنی به کشورهای هدف خود که شناسایی کرده‌ایم، برسیم. تأمین امنیت این خط ریلی را اداره محلی ولایت هرات برعهده دارد. در برنامه افتتاح پروژه هم والی هرات برای تأمین امنیت اطمینان دادند. فاز چهارم از طرف وزارت مالیه افغانستان به طرف قرارداد تحویل داده شده است، کار در جریان است و تکمیل فاز چهارم خواسته ما هم است. ما در تلاش هستیم تا خط ریلی بین تورغندی-هرات هم ایجاد شود. درخواست من از بخش خصوصی ایران این است که روی این خط و سایر خطوط ریلی افغانستان سرمایه‌گذاری کنند.

در این چشم‌انداز روزی را می‌بینید که مردم ایران و شهروندان مشهدی برای تعطیلات با قطار به هرات بروند؟

من آرزو دارم هرچه زودتر صلح در افغانستان محقق شود. صلح آرزوی مردم افغانستان است. امیدوارم این اتفاق آن روز نباشد و بسیار زود باشد. مهاجران به کشورشان بازگردند، و صلح در منطقه حاکم باشد. تا ما بتوانیم از زحمات دوستان ایرانی‌مان به‌خاطر این ۴۰سال با میزبانی از آن‌ها تشکر کنیم و میزبان‌های خوبی برای تعطیلات آن‌ها باشیم.

خود مشهد در نگاه شما چه جایگاهی دارد؟

مشهد اول با حرم مبارک امام‌رضا(ع) معنا پیدا می‌کند و این اولین چیزی است که بعد شنیدن نام مشهد به ذهن ما می‌رسد. دوم سرزمینی که ما با هم خیلی مشترکات داریم. هرات و مشهد دو شهری هستند که باهم اشتراکاتی دارند که جدایی از این‌ها کار دشواری است. اگر ما به گذشته‌ها برگردیم، مسجد گوهرشاد در مشهد مقدس و مقبره گوهرشاد در هرات و آخوند خراسانی که مرد مشترک بین ما و مشهدی‌هاست را می‌بینیم. من نمی‌گویم مشهد خانه دوم ماست، مشهد خانه ماست، خانه هراتی‌هاست. من آرزو دارم صلح در افغانستان محقق شود و دوستان مشهدی ما در هرات باشند. همیشه وقتی صحبت از خواهر خواندگی هرات و مشهد است، من می‌گویم نه، این‌ها خواهرهای دوقلو هستند. این دو شهر شباهت‌هایی باهم دارند که تفکیک‌پذیر نیستند. مشهد برای ما کریدور اقتصادی است، کوریدور ترانزیت است و برعکس هرات برای افغانستان. بی‌گمان این دو ولایت می‌توانند در تغییر سرنوشت مردمان دو کشور نقش بسزایی داشته باشند.

مردم افغانستان تنها به ایران مهاجر نشدند؛ آن‌ها به کشورهای دیگر جهان هم رفتند، اما در ایران خانه گرفتند، زندگی کردند و آمیخته شدند، با همان فرهنگی که از قبل در آن ریشه داشته‌اند. اگر ما مهاجرت افغان‌ها به دیگر کشورهای جهان را مطالعه کنیم، می‌بینیم آن‌ها در آن جامعه استحاله شده‌اند، فرهنگ، زبان و همه‌چیز آن‌ها از بین رفته است، اما مهاجران افغانستانی که در ایران زندگی می‌کنند استحاله نشده‌اند، چون در فرهنگ خود پرورش یافته‌اند و با اعتقادات خود زندگی کرده‌اند